

نگاهی به چهره‌های محبوب و مؤلفه‌های چهره‌شدن در سینمای پس از انقلاب

رمز و رازهای محبوبیت

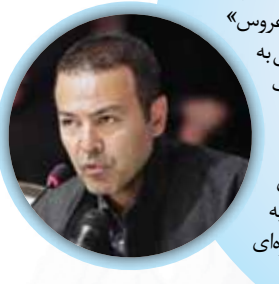
محمد رضا کردلو: مسیری که سینمای ایران در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ طی کرد، به مطرح شدن چهره‌هایی انجامید که به عنوان قهرمان یا سوپرستار، شخصیت‌های محبوب سینمایی این دهه را می‌سازند. جمشید هاشم‌پور و فرامرز قریبیان از جمله این چهره‌ها هستند. اگر چه مسیری که سینما در نیمه دوم دهه ۷۰ طی می‌کند، مقدمات حذف یا تحدید قهرمان محوری از سینمای بدنه را پیش می‌گیرد اما درام‌ها و فیلم‌های عاشقانه نیز با میزانی از اکشن و آنچه مورد استقبال مخاطب آن روز بود، ساخته می‌شوند. ابوالفضل پورعرب و فریبرز عرب‌نیا چهره‌های جدی این فیلم‌ها هستند. چهره‌های محبوب آن دهه که عکس‌هایشان پوستر می‌شد و علاقه‌مندان سینما دنبال‌شان می‌کردند.



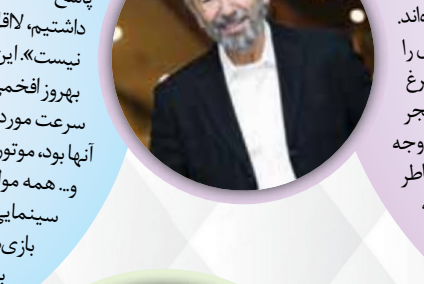
حضور ابوالفضل پورعرب روی پوستر یک فیلم کافی بود تا مخاطبان سینما آن فیلم را برای تماشا انتخاب کنند. وقتی فریدون جیرانی در یک گفت‌وگوی اینترنتی پورعرب را «ولین ستاره مرد در سینمای پس از انقلاب ایران» خطاب کرد، او پاسخ داد: «اگر ما واقعا اینقدر مهم بودیم و اینقدر در جامعه بازتاب داشتیم، لااقل در بیمارستان باید سری به ما می‌زدند؛ سلطان که شوخی نیست». این ستاره پولساز دهه ۷۰، در نخستین گام با فیلم «عروس» بهروز افخمی آمد و چون یک تیپ منحصر بفرد بود، بازی‌هایش به سرعت مورد توجه قرار گرفت. عشق‌هایی که پورعرب یک طرف آنها بود، موتورهایی که او سواری می‌شد، عینکی که به چشم می‌زد و... همه مولفه‌هایی برای خاص تر شدن پورعرب می‌شد. رشد سینمایی با عنوان اجتماعی در نیمه دوم دهه ۸۰ از رونق بازی‌های پورعرب کاست و همین کم‌کاری او را به حاشیه برد. بازیگری که در گرفتن دستمزد، هم‌رده چهره‌های مانند جمشید هاشم‌پور شده بود.



اگر بخواهیم برای سینمای دفاع مقدس در ژانر اکشن، تنها یک شمایل قهرمان نام ببریم، بی‌تردید آن یک نفر «جمشید هاشم‌پور» است؛ بازیگری عقاب‌ها، پایگاه جهنمی، بازداشتگاه، ضربه طوفان، رنج، پرواز از اردوگاه، باشگاه سری، هیوا، نفوذی، قارچ سمی و مزرعه پدرو از جمله فیلم‌های متناسب با سینمای اکشن بود. هاشم‌پور در عین حال یکی از پُرکارترین بازیگران فیلم سینمایی بازی کرده است؛ فیلم‌هایی که عمدتاً قهرمان محور بودند. فرامرز قریبیان دیگر قهرمانی بود که با توجه معنوی، قهرمان متفاوت‌تری را در این دهه معرفی می‌کرد. اما با این قهرمان‌ها نامهربانی شد. حتی سیمرغ هم با آنها نامهربانی کرد. هاشم‌پور در حالی در جشنواره سی‌وششم فجر به عنوان بهترین بازیگر نقش مکمل مرد انتخاب شد که نقشش به هیچ‌وجه یادآور قهرمان نبود. جمشید هاشم‌پور برای بازی در فیلم دار کوب، به خاطر ایفای نقش یک دلال خرید و فروش نوزاد این جایزه را گرفت؛ نقشی که هیچ ارتباطی به یک قهرمان ندارد و فرسنگ‌ها با «جمشید هاشم‌پور» که از هلی کوپتر روی هوا به زمین می‌پرد یا با حرکت‌های خارق‌العاده زمینی‌اش همزمان ۳۰ نفر را به زمین می‌کوفت، فاصله داشت.



از اواخر دهه ۷۰، با تغییر فضای سیاسی و اجتماعی، فیلم‌هایی که از آنها به سینمای دهه هفتاد سینما تلاش می‌کنند با روایت شکاف نسلی از بازشدن فضای فرهنگی بهره ببرند. این سینما حتی «ایرج قادری» را که زمانی تیتراژ فیلم‌هایش فقط صدای بزن بزن بود، به سمت ساختن «سام و نرگس» می‌برد و محمد رضا گلزار وارد سینما می‌شود؛ چهره‌ای که حضورش در سینما نقطه شروعی برای ورود جوان‌های خوش چهره است. گلزار به یکی از نفروش‌ترین بازیگران سینمای ایران تبدیل می‌شود حتی بعد از یک دوره رکود، در سال‌های اخیر که تا سال‌ها به عنوان ستاره‌ای پولساز برای سینما کار کرد. در «بوتیک» نشان داد که فقط یک بازیگر خوش چهره نیست و بازیگری را می‌فهمد. در خیرهای مختلفی که در همه این سال‌ها مطرح شده، از همکاری او با کارگردان‌های صاحب‌سبک سخن به میان آمده اما این اتفاق رخ نداده است. یکی از خبرهایی که سال ۸۹ در مجامع سینمایی مطرح می‌شد، دستمزد عجیب و غریب (با عدددهای آن موقع) گلزار برای بازی در «دموکراسی تور روز روشن» بود. اینطور در خبرها آمده بود که او برای ۳ روز فیلمبرداری ۹۰ میلیون تومان دستمزد گرفت. او را به نخستین بازیگر سینمای ایران بود که دستمزد ۲۰۰ میلیونی گرفت.



بهران رادان و تعدادی بازیگر دیگر با موج حضور چهره‌های جذاب جوان به سینما می‌آیند. قبل از گلزار و رادان البته امین حیایی با حفظ ویژگی‌های توأم آن بازی در فیلم‌های کم‌دی، اکشن و رمانتیک به سینما آمد و تقریباً تجربه‌های بسیار موفق و البته غیرقابل قیاسی با گلزار داشت. حامی، هتل کارتون، علف‌های هرز، مزاج، مانی و نند، زن زیادی، دایره رنگی، عروس خوشقدم، رز زرد، مهمان مامان، اخراجی‌ها، کما، شارلاتان، شام عروسی، قاردهای طلا، شعله‌ور و دار کوب از جمله فیلم‌هایی هستند که امین حیایی در آنها ایفای نقش کرده است. حیایی چند سال رکورد تعداد بازی در فیلم‌ها را هم می‌زند و از پرکارترین بازیگران ۲۵ سال گذشته است. حیایی فرصت کار کردن با چهره‌های مطرح سینمایی را هم داشته است.



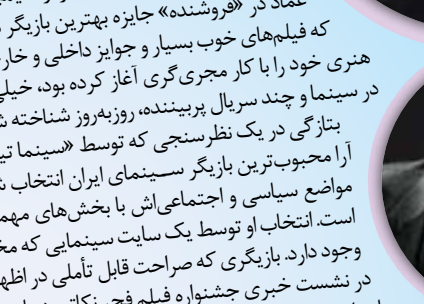
با این همه سینمای ایران در دهه اخیر بازیگران توانایی داشته که به واسطه آنها ماندگار شده است که از آن میان می‌توان به ۳ چهره شاخص اشاره کرد. پرویز پرستویی، خسرو شکیبایی و شهاب شاکری قطعاً به عنوان ۳ چهره شاخص سینما هستند که بازی‌هایشان محدود به ژانر خاصی نمی‌شد و نمی‌شود و شاید بتوان گفت بازی‌های این سه نفر، جایگاه بخصوصی دارد. مرحوم خسرو شکیبایی کارهایی مانند خواهران غریب ماندگار شد. او نزدیک به ۲ دهه مهم‌ترین نقش‌های سینمای موسوم به اجتماعی ایران را بر عهده داشت. پرویز پرستویی سال ۶۶ در شکار با خسرو شکیبایی همبازی شد. با حضور جذابش در آدم برفی و سپس شناخته‌تر شدن با لیلی با من است به یکی از نقاط قوت سینمای دهه ۷۰ تبدیل شد. با حاج کاظم آژانس شیشه‌ای در اذهان ایرانیان تثبیت شد. او با بازی در موج مرده، مومیایی ۳، مرد عوضی، مارمولک و دیوانه‌ای از قفس پرید تسلط و توانایی خود برای بازی در نقش‌های متفاوت را ثابت کرد. پرستویی چهارمین سیمرغ‌ش را برای بازی در یادگار حاتمی کیا دریافت کرد.



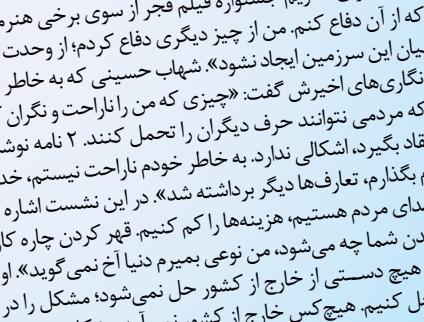
سینمای موسوم به اجتماعی نیز این روزها بازیگران خاص خود را دارد؛ بازیگرانی که به پر فروش شدن آثار کم‌کم می‌کنند. نوید محمدزاده و جواد عزتی از جمله آنها هستند. جواد عزتی یکی از پرکارترین بازیگران دهه ۹۰ است که بازی در نقش‌های مختلف بویژه کم‌دی را تجربه کرده است و به فروش فیلم‌ها کمک کرده است. جواد عزتی اگر چه از سوی جشنواره فیلم فجر به شکل عجبی نادیده گرفته شده است اما خود نیز در حال تبدیل شدن به یک تیپ در ملودرام‌ها و درام‌های اجتماعی است.



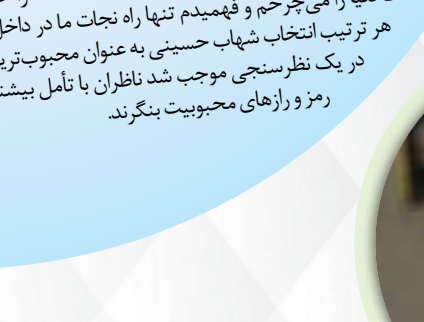
سینمای موسوم به اجتماعی نیز این روزها بازیگران خاص خود را دارد؛ بازیگرانی که به پر فروش شدن آثار کم‌کم می‌کنند. نوید محمدزاده و جواد عزتی از جمله آنها هستند. جواد عزتی یکی از پرکارترین بازیگران دهه ۹۰ است که بازی در نقش‌های مختلف بویژه کم‌دی را تجربه کرده است و به فروش فیلم‌ها کمک کرده است. جواد عزتی اگر چه از سوی جشنواره فیلم فجر به شکل عجبی نادیده گرفته شده است اما خود نیز در حال تبدیل شدن به یک تیپ در ملودرام‌ها و درام‌های اجتماعی است.



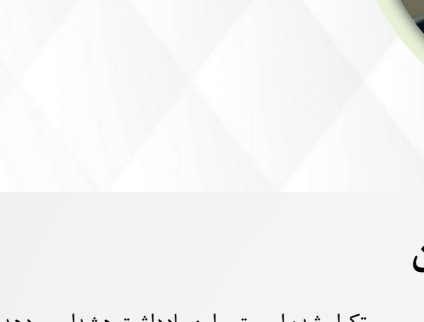
نشدن قهرمان زن یکی از مسائل اصلی سینمای ایران است و با همه بازی‌های خوبی که از برخی از بازیگران زن در سینما ماندگار شده، سینما نتوانسته یک قهرمان یا ستاره زن معرفی کند. اگر چه بازیگران زنی که با حضورشان به فروش فیلم‌های سینمایی کمک کرده‌اند، تعدادشان زیاد نیست. لیلا حاتمی، ترانه علی‌دوستی و طناز طباطبایی و البته در مقطعی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰، هدیه تهرانی و نیکی کریمی این جایگاه را داشتند.



نشدن قهرمان زن یکی از مسائل اصلی سینمای ایران است و با همه بازی‌های خوبی که از برخی از بازیگران زن در سینما ماندگار شده، سینما نتوانسته یک قهرمان یا ستاره زن معرفی کند. اگر چه بازیگران زنی که با حضورشان به فروش فیلم‌های سینمایی کمک کرده‌اند، تعدادشان زیاد نیست. لیلا حاتمی، ترانه علی‌دوستی و طناز طباطبایی و البته در مقطعی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰، هدیه تهرانی و نیکی کریمی این جایگاه را داشتند.



نشدن قهرمان زن یکی از مسائل اصلی سینمای ایران است و با همه بازی‌های خوبی که از برخی از بازیگران زن در سینما ماندگار شده، سینما نتوانسته یک قهرمان یا ستاره زن معرفی کند. اگر چه بازیگران زنی که با حضورشان به فروش فیلم‌های سینمایی کمک کرده‌اند، تعدادشان زیاد نیست. لیلا حاتمی، ترانه علی‌دوستی و طناز طباطبایی و البته در مقطعی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰، هدیه تهرانی و نیکی کریمی این جایگاه را داشتند.



سیدشهاب حسینی در دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ ظهور و بروز مشاهیری معرفی شد و خیلی زود به سینما آمد. «سوپرستار» او با پلیس جوان در تلویزیون ایران در دهه ۸۰ تبدیل کرد. او برای فیلم سوپرستار سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول را دریافت کرد و بعد از آن با «جدایی نادر از سیمین» همکاری‌اش با فرزادی را ادامه داد تا اینکه برای بازی در نقش عماد در «فروشنده» جایزه بهترین بازیگر مرد را از کن دریافت کرد. او بی‌شک ستاره دهه‌های ۸۰ و ۹۰ بوده است که فیلم‌های خوب بسیار و جوایز داخلی و خارجی بر شماری در کارنامه‌اش به چشم می‌خورد. شهاب حسینی که فعالیت هنری خود را با کار مجری گری آغاز کرده بود، خیلی زود اجرا را رها کرد و وارد دنیای بازیگری شد و با تجربه نقش‌های متفاوت در سینما و چند سریال پربیننده، روز بروز شناخته شده‌تر و محبوب‌تر شد. برتر یکی از محبوب‌ترین بازیگر سینمای ایران انتخاب شده است. این در حالی است که چند سالی است کم‌کارتر از قبل است و حتی با مواضع سیاسی و اجتماعی‌اش با بخش‌های مهمی از سینما دچار چالش شده است. انتخاب شهاب حسینی دارای پیام معناداری وجود دارد. بازیگری که صراحت‌گراست، قایل تأملی در اظهار نظرانش دارد و بخش‌هایی از سینما، حتی برای حذف او تلاش کرده‌اند. او با حضور در نشست خبری جشنواره فیلم فجر نظراتش را در فضای اجتماعی ایران مطرح کرد. شهاب حسینی در واکنش به ماجرای تحریم جشنواره فیلم فجر از سوی برخی هنرمندان گفته بود: «۴ سال است اصلاً در جشنواره نبوده‌ام دینی به این جشنواره ندارم که از آن دفاع کنیم. من از چیز دیگری دفاع کردم؛ از وحدت بین مردم دفاع می‌کنم؛ از جدا نکردن طیف‌های مختلف از هر تلاشی دفاع می‌کنم. مجازی نامت‌نگاری‌های اخیرش گفت: «چیزی که من را ناراحت و نگران کرده، کامنت‌هایی بود که قابل بازپخش و خواندن نیستند و این غم‌انگیزترین قسمت ماجراست که مردمی نتوانند حرف دیگران را تحمل کنند. ۲ نامه نوشتم و تمام تلاشم را کردم با ادب باشد، جواب آن فحش و فضیحت نبود. یکی من را به باد انتقاد بگیرد، اشکالی ندارد. به خاطر خودم ناراحت نیستم، خدا را شکر که تکلیفم روشن شد. جواب آن فحش و فضیحت نبود. یکی من که احترام بگذارم، تعارف‌ها دیگر برداشته شد». در این نشست اشاره او به مسأله مهم همراهی درست هنرمندان با مردم بود: «اگر هنر مندی و ادعا داریم صدای مردم هستیم، هزینه‌ها را کم کنیم. قهر کردن چاره کار نیست. نمی‌خواهید بیابید، نیابید. ما با هیچ دست‌سستی از خارج از کشور حل نمی‌شود؛ مشکل را در درون، خودمان باید حل کنیم. هیچ کس خارج از کشور نمی‌آید مشکلات ما را حل کند. ۲ سال است دنیا را می‌چرخم و فهمیدم تنها راه نجات ما در داخل است». به هر ترتیب انتخاب شهاب حسینی به عنوان محبوب‌ترین بازیگر در یک نظر سنجی موجب شد ناظران با تأمل بیشتری به رمز و رازهای محبوبیت بنگرند.



سیدشهاب حسینی در دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ ظهور و بروز مشاهیری معرفی شد و خیلی زود به سینما آمد. «سوپرستار» او با پلیس جوان در تلویزیون ایران در دهه ۸۰ تبدیل کرد. او برای فیلم سوپرستار سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول را دریافت کرد و بعد از آن با «جدایی نادر از سیمین» همکاری‌اش با فرزادی را ادامه داد تا اینکه برای بازی در نقش عماد در «فروشنده» جایزه بهترین بازیگر مرد را از کن دریافت کرد. او بی‌شک ستاره دهه‌های ۸۰ و ۹۰ بوده است که فیلم‌های خوب بسیار و جوایز داخلی و خارجی بر شماری در کارنامه‌اش به چشم می‌خورد. شهاب حسینی که فعالیت هنری خود را با کار مجری گری آغاز کرده بود، خیلی زود اجرا را رها کرد و وارد دنیای بازیگری شد و با تجربه نقش‌های متفاوت در سینما و چند سریال پربیننده، روز بروز شناخته شده‌تر و محبوب‌تر شد. برتر یکی از محبوب‌ترین بازیگر سینمای ایران انتخاب شده است. این در حالی است که چند سالی است کم‌کارتر از قبل است و حتی با مواضع سیاسی و اجتماعی‌اش با بخش‌های مهمی از سینما دچار چالش شده است. انتخاب شهاب حسینی دارای پیام معناداری وجود دارد. بازیگری که صراحت‌گراست، قایل تأملی در اظهار نظرانش دارد و بخش‌هایی از سینما، حتی برای حذف او تلاش کرده‌اند. او با حضور در نشست خبری جشنواره فیلم فجر نظراتش را در فضای اجتماعی ایران مطرح کرد. شهاب حسینی در واکنش به ماجرای تحریم جشنواره فیلم فجر از سوی برخی هنرمندان گفته بود: «۴ سال است اصلاً در جشنواره نبوده‌ام دینی به این جشنواره ندارم که از آن دفاع کنیم. من از چیز دیگری دفاع کردم؛ از وحدت بین مردم دفاع می‌کنم؛ از جدا نکردن طیف‌های مختلف از هر تلاشی دفاع می‌کنم. مجازی نامت‌نگاری‌های اخیرش گفت: «چیزی که من را ناراحت و نگران کرده، کامنت‌هایی بود که قابل بازپخش و خواندن نیستند و این غم‌انگیزترین قسمت ماجراست که مردمی نتوانند حرف دیگران را تحمل کنند. ۲ نامه نوشتم و تمام تلاشم را کردم با ادب باشد، جواب آن فحش و فضیحت نبود. یکی من را به باد انتقاد بگیرد، اشکالی ندارد. به خاطر خودم ناراحت نیستم، خدا را شکر که تکلیفم روشن شد. جواب آن فحش و فضیحت نبود. یکی من که احترام بگذارم، تعارف‌ها دیگر برداشته شد». در این نشست اشاره او به مسأله مهم همراهی درست هنرمندان با مردم بود: «اگر هنر مندی و ادعا داریم صدای مردم هستیم، هزینه‌ها را کم کنیم. قهر کردن چاره کار نیست. نمی‌خواهید بیابید، نیابید. ما با هیچ دست‌سستی از خارج از کشور حل نمی‌شود؛ مشکل را در درون، خودمان باید حل کنیم. هیچ کس خارج از کشور نمی‌آید مشکلات ما را حل کند. ۲ سال است دنیا را می‌چرخم و فهمیدم تنها راه نجات ما در داخل است». به هر ترتیب انتخاب شهاب حسینی به عنوان محبوب‌ترین بازیگر در یک نظر سنجی موجب شد ناظران با تأمل بیشتری به رمز و رازهای محبوبیت بنگرند.

سیدشهاب حسینی در دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ ظهور و بروز مشاهیری معرفی شد و خیلی زود به سینما آمد. «سوپرستار» او با پلیس جوان در تلویزیون ایران در دهه ۸۰ تبدیل کرد. او برای فیلم سوپرستار سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول را دریافت کرد و بعد از آن با «جدایی نادر از سیمین» همکاری‌اش با فرزادی را ادامه داد تا اینکه برای بازی در نقش عماد در «فروشنده» جایزه بهترین بازیگر مرد را از کن دریافت کرد. او بی‌شک ستاره دهه‌های ۸۰ و ۹۰ بوده است که فیلم‌های خوب بسیار و جوایز داخلی و خارجی بر شماری در کارنامه‌اش به چشم می‌خورد. شهاب حسینی که فعالیت هنری خود را با کار مجری گری آغاز کرده بود، خیلی زود اجرا را رها کرد و وارد دنیای بازیگری شد و با تجربه نقش‌های متفاوت در سینما و چند سریال پربیننده، روز بروز شناخته شده‌تر و محبوب‌تر شد. برتر یکی از محبوب‌ترین بازیگر سینمای ایران انتخاب شده است. این در حالی است که چند سالی است کم‌کارتر از قبل است و حتی با مواضع سیاسی و اجتماعی‌اش با بخش‌های مهمی از سینما دچار چالش شده است. انتخاب شهاب حسینی دارای پیام معناداری وجود دارد. بازیگری که صراحت‌گراست، قایل تأملی در اظهار نظرانش دارد و بخش‌هایی از سینما، حتی برای حذف او تلاش کرده‌اند. او با حضور در نشست خبری جشنواره فیلم فجر نظراتش را در فضای اجتماعی ایران مطرح کرد. شهاب حسینی در واکنش به ماجرای تحریم جشنواره فیلم فجر از سوی برخی هنرمندان گفته بود: «۴ سال است اصلاً در جشنواره نبوده‌ام دینی به این جشنواره ندارم که از آن دفاع کنیم. من از چیز دیگری دفاع کردم؛ از وحدت بین مردم دفاع می‌کنم؛ از جدا نکردن طیف‌های مختلف از هر تلاشی دفاع می‌کنم. مجازی نامت‌نگاری‌های اخیرش گفت: «چیزی که من را ناراحت و نگران کرده، کامنت‌هایی بود که قابل بازپخش و خواندن نیستند و این غم‌انگیزترین قسمت ماجراست که مردمی نتوانند حرف دیگران را تحمل کنند. ۲ نامه نوشتم و تمام تلاشم را کردم با ادب باشد، جواب آن فحش و فضیحت نبود. یکی من را به باد انتقاد بگیرد، اشکالی ندارد. به خاطر خودم ناراحت نیستم، خدا را شکر که تکلیفم روشن شد. جواب آن فحش و فضیحت نبود. یکی من که احترام بگذارم، تعارف‌ها دیگر برداشته شد». در این نشست اشاره او به مسأله مهم همراهی درست هنرمندان با مردم بود: «اگر هنر مندی و ادعا داریم صدای مردم هستیم، هزینه‌ها را کم کنیم. قهر کردن چاره کار نیست. نمی‌خواهید بیابید، نیابید. ما با هیچ دست‌سستی از خارج از کشور حل نمی‌شود؛ مشکل را در درون، خودمان باید حل کنیم. هیچ کس خارج از کشور نمی‌آید مشکلات ما را حل کند. ۲ سال است دنیا را می‌چرخم و فهمیدم تنها راه نجات ما در داخل است». به هر ترتیب انتخاب شهاب حسینی به عنوان محبوب‌ترین بازیگر در یک نظر سنجی موجب شد ناظران با تأمل بیشتری به رمز و رازهای محبوبیت بنگرند.

سیدشهاب حسینی در دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ ظهور و بروز مشاهیری معرفی شد و خیلی زود به سینما آمد. «سوپرستار» او با پلیس جوان در تلویزیون ایران در دهه ۸۰ تبدیل کرد. او برای فیلم سوپرستار سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول را دریافت کرد و بعد از آن با «جدایی نادر از سیمین» همکاری‌اش با فرزادی را ادامه داد تا اینکه برای بازی در نقش عماد در «فروشنده» جایزه بهترین بازیگر مرد را از کن دریافت کرد. او بی‌شک ستاره دهه‌های ۸۰ و ۹۰ بوده است که فیلم‌های خوب بسیار و جوایز داخلی و خارجی بر شماری در کارنامه‌اش به چشم می‌خورد. شهاب حسینی که فعالیت هنری خود را با کار مجری گری آغاز کرده بود، خیلی زود اجرا را رها کرد و وارد دنیای بازیگری شد و با تجربه نقش‌های متفاوت در سینما و چند سریال پربیننده، روز بروز شناخته شده‌تر و محبوب‌تر شد. برتر یکی از محبوب‌ترین بازیگر سینمای ایران انتخاب شده است. این در حالی است که چند سالی است کم‌کارتر از قبل است و حتی با مواضع سیاسی و اجتماعی‌اش با بخش‌های مهمی از سینما دچار چالش شده است. انتخاب شهاب حسینی دارای پیام معناداری وجود دارد. بازیگری که صراحت‌گراست، قایل تأملی در اظهار نظرانش دارد و بخش‌هایی از سینما، حتی برای حذف او تلاش کرده‌اند. او با حضور در نشست خبری جشنواره فیلم فجر نظراتش را در فضای اجتماعی ایران مطرح کرد. شهاب حسینی در واکنش به ماجرای تحریم جشنواره فیلم فجر از سوی برخی هنرمندان گفته بود: «۴ سال است اصلاً در جشنواره نبوده‌ام دینی به این جشنواره ندارم که از آن دفاع کنیم. من از چیز دیگری دفاع کردم؛ از وحدت بین مردم دفاع می‌کنم؛ از جدا نکردن طیف‌های مختلف از هر تلاشی دفاع می‌کنم. مجازی نامت‌نگاری‌های اخیرش گفت: «چیزی که من را ناراحت و نگران کرده، کامنت‌هایی بود که قابل بازپخش و خواندن نیستند و این غم‌انگیزترین قسمت ماجراست که مردمی نتوانند حرف دیگران را تحمل کنند. ۲ نامه نوشتم و تمام تلاشم را کردم با ادب باشد، جواب آن فحش و فضیحت نبود. یکی من را به باد انتقاد بگیرد، اشکالی ندارد. به خاطر خودم ناراحت نیستم، خدا را شکر که تکلیفم روشن شد. جواب آن فحش و فضیحت نبود. یکی من که احترام بگذارم، تعارف‌ها دیگر برداشته شد». در این نشست اشاره او به مسأله مهم همراهی درست هنرمندان با مردم بود: «اگر هنر مندی و ادعا داریم صدای مردم هستیم، هزینه‌ها را کم کنیم. قهر کردن چاره کار نیست. نمی‌خواهید بیابید، نیابید. ما با هیچ دست‌سستی از خارج از کشور حل نمی‌شود؛ مشکل را در درون، خودمان باید حل کنیم. هیچ کس خارج از کشور نمی‌آید مشکلات ما را حل کند. ۲ سال است دنیا را می‌چرخم و فهمیدم تنها راه نجات ما در داخل است». به هر ترتیب انتخاب شهاب حسینی به عنوان محبوب‌ترین بازیگر در یک نظر سنجی موجب شد ناظران با تأمل بیشتری به رمز و رازهای محبوبیت بنگرند.

حدیث مدعیان و خیال همکاران

منفی در ذهن مخاطب نشان دهنده این نیست که این اثر یک کار پژوهشی نیست؟ شخصیتی را که می‌توانست با جنبه‌های مثبت و منفی خویش به قدر کافی تأثیر گذار باشد، چرا باید از ابعاد غیر آیینی و غیرواقعی (به معنای ذهنیات نویسنده) برای مخاطب تصویر کرد؟ کتاب «یک محسن عزیز» اگر چه طبق ادعای مقدمه قرار بوده است در ژانر پژوهشی، روایتی باشد از سرگذشت قهرمانی‌های شهید محسن وزوایی اما متأسفانه در طی مسیر چهار بحران گونه شده و جنبه‌های دراماتیک و عامه‌پسندی رمان‌های امروزی در متن اثر گذاشته و کتاب را از گونه مستند روایی خارج کرده و عناصر ادبیات دراماتیک را به خود راه داده است. به‌با ارفاق این یک رمان عامه‌پسند است نه یک تاریخ شفاهی یا سرگذشت‌نامه‌نویسی. اما سوال بسیار جدی‌تری وجود دارد که چرا این کتاب به این روز افتاده است؟ پاسخ را در اعتراف نویسنده به احساساتش نسبت به سوژه روایت در صفحه ۲۶، پنج خط مانده به آخر بخوانید و این را بدانید که شیفته‌گی سرگذشت‌نویس‌ها یا مصاحبه‌گران تاریخ شفاهی به سوژه روایت (یا مصاحبه‌شونده)، به نوشته‌ها و مصاحبه‌ها سمت و سو می‌دهد و این خود از آسیب‌های جدی این حوزه از نگارش‌های ادبی- تاریخی است.

نشان داده است. این دعا را به جز خدا غرور هم شنید که ساعت‌ها همانجا منتظر محسن نشسته بود. فهمید سماع مکیده بود. بخار شد و پرید. (جان‌بخشی به مفاهیم انتزاعی برای مثبت نشان دادن شهید وزوایی با تکیه بر فانتزی‌های ذهنی نویسنده) تصویرهای جنسیتی و غیر آیینی از شهید با بن‌مایه‌های رمانتیک در متن بارها تکرار شده است. خود محسن احساس می‌کرد وقتی توی میهمانی‌ها از جلوی جمع دختران فامیل رد می‌شود، پشت سرش همه‌همه آرامی یا می‌گیرد. می‌دانست درباره او حرف می‌زند. شیک‌پوشی‌اش هم در جذابیتش تأثیر مثبت نبود. محسن از ازدواج بدش نمی‌آمد، مخصوصاً که تب ازدواج بین رفقاییش گرم شده بود. حالا دیگر کمتر به آن دختر مهندسی شیعی فکر می‌کرد (تصویری از تأثیرگذاری جنسیتی شهید که در نوع خودش اگر نگوئیم بدعتی در الگوسازی از شخصیت شهادت، دست‌کم ملودرامی سینمایی و کلیشه‌ای عامه‌پسند و دارای بن‌مایه رمانتیک است که مثل این تصویر بارها و بارها در کتاب

نشان داده است. این دعا را به جز خدا غرور هم شنید که ساعت‌ها همانجا منتظر محسن نشسته بود. فهمید سماع مکیده بود. بخار شد و پرید. (جان‌بخشی به مفاهیم انتزاعی برای مثبت نشان دادن شهید وزوایی با تکیه بر فانتزی‌های ذهنی نویسنده) تصویرهای جنسیتی و غیر آیینی از شهید با بن‌مایه‌های رمانتیک در متن بارها تکرار شده است. خود محسن احساس می‌کرد وقتی توی میهمانی‌ها از جلوی جمع دختران فامیل رد می‌شود، پشت سرش همه‌همه آرامی یا می‌گیرد. می‌دانست درباره او حرف می‌زند. شیک‌پوشی‌اش هم در جذابیتش تأثیر مثبت نبود. محسن از ازدواج بدش نمی‌آمد، مخصوصاً که تب ازدواج بین رفقاییش گرم شده بود. حالا دیگر کمتر به آن دختر مهندسی شیعی فکر می‌کرد (تصویری از تأثیرگذاری جنسیتی شهید که در نوع خودش اگر نگوئیم بدعتی در الگوسازی از شخصیت شهادت، دست‌کم ملودرامی سینمایی و کلیشه‌ای عامه‌پسند و دارای بن‌مایه رمانتیک است که مثل این تصویر بارها و بارها در کتاب

نشان داده است. این دعا را به جز خدا غرور هم شنید که ساعت‌ها همانجا منتظر محسن نشسته بود. فهمید سماع مکیده بود. بخار شد و پرید. (جان‌بخشی به مفاهیم انتزاعی برای مثبت نشان دادن شهید وزوایی با تکیه بر فانتزی‌های ذهنی نویسنده) تصویرهای جنسیتی و غیر آیینی از شهید با بن‌مایه‌های رمانتیک در متن بارها تکرار شده است. خود محسن احساس می‌کرد وقتی توی میهمانی‌ها از جلوی جمع دختران فامیل رد می‌شود، پشت سرش همه‌همه آرامی یا می‌گیرد. می‌دانست درباره او حرف می‌زند. شیک‌پوشی‌اش هم در جذابیتش تأثیر مثبت نبود. محسن از ازدواج بدش نمی‌آمد، مخصوصاً که تب ازدواج بین رفقاییش گرم شده بود. حالا دیگر کمتر به آن دختر مهندسی شیعی فکر می‌کرد (تصویری از تأثیرگذاری جنسیتی شهید که در نوع خودش اگر نگوئیم بدعتی در الگوسازی از شخصیت شهادت، دست‌کم ملودرامی سینمایی و کلیشه‌ای عامه‌پسند و دارای بن‌مایه رمانتیک است که مثل این تصویر بارها و بارها در کتاب

نشان داده است. این دعا را به جز خدا غرور هم شنید که ساعت‌ها همانجا منتظر محسن نشسته بود. فهمید سماع مکیده بود. بخار شد و پرید. (جان‌بخشی به مفاهیم انتزاعی برای مثبت نشان دادن شهید وزوایی با تکیه بر فانتزی‌های ذهنی نویسنده) تصویرهای جنسیتی و غیر آیینی از شهید با بن‌مایه‌های رمانتیک در متن بارها تکرار شده است. خود محسن احساس می‌کرد وقتی توی میهمانی‌ها از جلوی جمع دختران فامیل رد می‌شود، پشت سرش همه‌همه آرامی یا می‌گیرد. می‌دانست درباره او حرف می‌زند. شیک‌پوشی‌اش هم در جذابیتش تأثیر مثبت نبود. محسن از ازدواج بدش نمی‌آمد، مخصوصاً که تب ازدواج بین رفقاییش گرم شده بود. حالا دیگر کمتر به آن دختر مهندسی شیعی فکر می‌کرد (تصویری از تأثیرگذاری جنسیتی شهید که در نوع خودش اگر نگوئیم بدعتی در الگوسازی از شخصیت شهادت، دست‌کم ملودرامی سینمایی و کلیشه‌ای عامه‌پسند و دارای بن‌مایه رمانتیک است که مثل این تصویر بارها و بارها در کتاب

نشان داده است. این دعا را به جز خدا غرور هم شنید که ساعت‌ها همانجا منتظر محسن نشسته بود. فهمید سماع مکیده بود. بخار شد و پرید. (جان‌بخشی به مفاهیم انتزاعی برای مثبت نشان دادن شهید وزوایی با تکیه بر فانتزی‌های ذهنی نویسنده) تصویرهای جنسیتی و غیر آیینی از شهید با بن‌مایه‌های رمانتیک در متن بارها تکرار شده است. خود محسن احساس می‌کرد وقتی توی میهمانی‌ها از جلوی جمع دختران فامیل رد می‌شود، پشت سرش همه‌همه آرامی یا می‌گیرد. می‌دانست درباره او حرف می‌زند. شیک‌پوشی‌اش هم در جذابیتش تأثیر مثبت نبود. محسن از ازدواج بدش نمی‌آمد، مخصوصاً که تب ازدواج بین رفقاییش گرم شده بود. حالا دیگر کمتر به آن دختر مهندسی شیعی فکر می‌کرد (تصویری از تأثیرگذاری جنسیتی شهید که در نوع خودش اگر نگوئیم بدعتی در الگوسازی از شخصیت شهادت، دست‌کم ملودرامی سینمایی و کلیشه‌ای عامه‌پسند و دارای بن‌مایه رمانتیک است که مثل این تصویر بارها و بارها در کتاب

نشان داده است. این دعا را به جز خدا غرور هم شنید که ساعت‌ها همانجا منتظر محسن نشسته بود. فهمید سماع مکیده بود. بخار شد و پرید. (جان‌بخشی به مفاهیم انتزاعی برای مثبت نشان دادن شهید وزوایی با تکیه بر فانتزی‌های ذهنی نویسنده) تصویرهای جنسیتی و غیر آیینی از شهید با بن‌مایه‌های رمانتیک در متن بارها تکرار شده است. خود محسن احساس می‌کرد وقتی توی میهمانی‌ها از جلوی جمع دختران فامیل رد می‌شود، پشت سرش همه‌همه آرامی یا می‌گیرد. می‌دانست درباره او حرف می‌زند. شیک‌پوشی‌اش هم در جذابیتش تأثیر مثبت نبود. محسن از ازدواج بدش نمی‌آمد، مخصوصاً که تب ازدواج بین رفقاییش گرم شده بود. حالا دیگر کمتر به آن دختر مهندسی شیعی فکر می‌کرد (تصویری از تأثیرگذاری جنسیتی شهید که در نوع خودش اگر نگوئیم بدعتی در الگوسازی از شخصیت شهادت، دست‌کم ملودرامی سینمایی و کلیشه‌ای عامه‌پسند و دارای بن‌مایه رمانتیک است که مثل این تصویر بارها و بارها در کتاب

نشان داده است. این دعا را به جز خدا غرور هم شنید که ساعت‌ها همانجا منتظر محسن نشسته بود. فهمید سماع مکیده بود. بخار شد و پرید. (جان‌بخشی به مفاهیم انتزاعی برای مثبت نشان دادن شهید وزوایی با تکیه بر فانتزی‌های ذهنی نویسنده) تصویرهای جنسیتی و غیر آیینی از شهید با بن‌مایه‌های رمانتیک در متن بارها تکرار شده است. خود محسن احساس می‌کرد وقتی توی میهمانی‌ها از جلوی جمع دختران فامیل رد می‌شود، پشت سرش همه‌همه آرامی یا می‌گیرد. می‌دانست درباره او حرف می‌زند. شیک‌پوشی‌اش هم در جذابیتش تأثیر مثبت نبود. محسن از ازدواج بدش نمی‌آمد، مخصوصاً که تب ازدواج بین رفقاییش گرم شده بود. حالا دیگر کمتر به آن دختر مهندسی شیعی فکر می‌کرد (تصویری از تأثیرگذاری جنسیتی شهید که در نوع خودش اگر نگوئیم بدعتی در الگوسازی از شخصیت شهادت، دست‌کم ملودرامی سینمایی و کلیشه‌ای عامه‌پسند و دارای بن‌مایه رمانتیک است که مثل این تصویر بارها و بارها در کتاب

نشان داده است. این دعا را به جز خدا غرور هم شنید که ساعت‌ها همانجا منتظر محسن نشسته بود. فهمید سماع مکیده بود. بخار شد و پرید. (جان‌بخشی به مفاهیم انتزاعی برای مثبت نشان دادن شهید وزوایی با تکیه بر فانتزی‌های ذهنی نویسنده) تصویرهای جنسیتی و غیر آیینی از شهید با بن‌مایه‌های رمانتیک در متن بارها تکرار شده است. خود محسن احساس می‌کرد وقتی توی میهمانی‌ها از جلوی جمع دختران فامیل رد می‌شود، پشت سرش همه‌همه آرامی یا می‌گیرد. می‌دانست درباره او حرف می‌زند. شیک‌پوشی‌اش هم در جذابیتش تأثیر مثبت نبود. محسن از ازدواج بدش نمی‌آمد، مخصوصاً که تب ازدواج بین رفقاییش گرم شده بود. حالا دیگر کمتر به آن دختر مهندسی شیعی فکر می‌کرد (تصویری از تأثیرگذاری جنسیتی شهید که در نوع خودش اگر نگوئیم بدعتی در الگوسازی از شخصیت شهادت، دست‌کم ملودرامی سینمایی و کلیشه‌ای عامه‌پسند و دارای بن‌مایه رمانتیک است که مثل این تصویر بارها و بارها در کتاب

نشان داده است. این دعا را به جز خدا غرور هم شنید که ساعت‌ها همانجا منتظر محسن نشسته بود. فهمید سماع مکیده بود. بخار شد و پرید. (جان‌بخشی به مفاهیم انتزاعی برای مثبت نشان دادن شهید وزوایی با تکیه بر فانتزی‌های ذهنی نویسنده) تصویرهای جنسیتی و غیر آیینی از شهید با بن‌مایه‌های رمانتیک در متن بارها تکرار شده است. خود محسن احساس می‌کرد وقتی توی میهمانی‌ها از جلوی جمع دختران فامیل رد می‌شود، پشت سرش همه‌همه آرامی یا می‌گیرد. می‌دانست درباره او حرف می‌زند. شیک‌پوشی‌اش هم در جذابیتش تأثیر مثبت نبود. محسن از ازدواج بدش نمی‌آمد، مخصوصاً که تب ازدواج بین رفقاییش گرم شده بود. حالا دیگر کمتر به آن دختر مهندسی شیعی فکر می‌کرد (تصویری از تأثیرگذاری جنسیتی شهید که در نوع خودش اگر نگوئیم بدعتی در الگوسازی از شخصیت شهادت، دست‌کم ملودرامی سینمایی و کلیشه‌ای عامه‌پسند و دارای بن‌مایه رمانتیک است که مثل این تصویر بارها و بارها در کتاب

نشان داده است. این دعا را به جز خدا غرور هم شنید که ساعت‌ها همانجا منتظر محسن نشسته بود. فهمید سماع مکیده بود. بخار شد و پرید. (جان‌بخشی به مفاهیم انتزاعی برای مثبت نشان دادن شهید وزوایی با تکیه بر فانتزی‌های ذهنی نویسنده) تصویرهای جنسیتی و غیر آیینی از شهید با بن‌مایه‌های رمانتیک در متن بارها تکرار شده است. خود محسن احساس می‌کرد وقتی توی میهمانی‌ها از جلوی جمع دختران فامیل رد می‌شود، پشت سرش همه‌همه آرامی یا می‌گیرد. می‌دانست درباره او حرف می‌زند. شیک‌پوشی‌اش هم در جذابیتش تأثیر مثبت نبود. محسن از ازدواج بدش نمی‌آمد، مخصوصاً که تب ازدواج بین رفقاییش گرم شده بود. حالا دیگر کمتر به آن دختر مهندسی شیعی فکر می‌کرد (تصویری از تأثیرگذاری جنسیتی شهید که در نوع خودش اگر نگوئیم بدعتی در الگوسازی از شخصیت شهادت، دست‌کم ملودرامی سینمایی و کلیشه‌ای عامه‌پسند و دارای بن‌مایه رمانتیک است که مثل این تصویر بارها و بارها در کتاب

نشان داده است. این دعا را به جز خدا غرور هم شنید که ساعت‌ها همانجا منتظر محسن نشسته بود. فهمید سماع مکیده بود. بخار شد و پرید. (جان‌بخشی به مفاهیم انتزاعی برای مثبت نشان دادن شهید وزوایی با تکیه بر فانتزی‌های ذهنی نویسنده) تصویرهای جنسیتی و غیر آیینی از شهید با بن‌مایه‌های رمانتیک در متن بارها تکرار شده است. خود محسن احساس می‌کرد وقتی توی میهمانی‌ها از جلوی جمع دختران فامیل رد می‌شود، پشت سرش همه‌همه آرامی یا می‌گیرد. می‌دانست درباره او حرف می‌زند. شیک‌پوشی‌اش هم در جذابیتش تأثیر مثبت نبود. محسن از ازدواج بدش نمی‌آمد، مخصوصاً که تب ازدواج بین رفقاییش گرم شده بود. حالا دیگر کمتر به آن دختر مهندسی شیعی فکر می‌کرد (تصویری از تأثیرگذاری جنسیتی شهید که در نوع خودش اگر نگوئیم بدعتی در الگوسازی از شخصیت شهادت، دست‌کم ملودرامی سینمایی و کلیشه‌ای عامه‌پسند و دارای بن‌مایه رمانتیک است که مثل این تصویر بارها و بارها در کتاب

نشان داده است. این دعا را به جز خدا غرور هم شنید که ساعت‌ها همانجا منتظر محسن نشسته بود. فهمید سماع مکیده بود. بخار شد و پرید. (جان‌بخشی به مفاهیم انتزاعی برای مثبت نشان دادن شهید وزوایی با تکیه بر فانتزی‌های ذهنی نویسنده) تصویرهای جنسیتی و غیر آیینی از شهید با بن‌مایه‌های رمانتیک در متن بارها تکرار شده است. خود محسن احساس می‌کرد وقتی توی میهمانی‌ها از جلوی جمع دختران فامیل رد می‌شود، پشت سرش همه‌همه آرامی یا می‌گیرد. می‌دانست درباره او حرف می‌زند. شیک‌پوشی‌اش هم در جذابیتش تأثیر مثبت نبود. محسن از ازدواج بدش نمی‌آمد، مخصوصاً که تب ازدواج بین رفقاییش گرم شده بود. حالا دیگر کمتر به آن دختر مهندسی شیعی فکر می‌کرد (تصویری از تأثیرگذاری جنسیتی شهید که در نوع خودش اگر نگوئیم بدعتی در الگوسازی از شخصیت شهادت، دست‌کم ملودرامی سینمایی و کلیشه‌ای عامه‌پسند و دارای بن‌مایه رمانتیک است که مثل این تصویر بارها و بارها در کتاب

نشان داده است. این دعا را به جز خدا غرور هم شنید که ساعت‌ها همانجا منتظر محسن نشسته بود. فهمید سماع مکیده بود. بخار شد و پرید. (جان‌بخشی به مفاهیم انتزاعی برای مثبت نشان دادن شهید وزوایی با تکیه بر فانتزی‌های ذهنی نویسنده) تصویرهای جنسیتی و غیر آیینی از شهید با بن‌مایه‌های رمانتیک در متن بارها تکرار شده است. خود محسن احساس می‌کرد وقتی توی میهمانی‌ها از جلوی جمع دختران فامیل رد می‌شود، پشت سرش همه‌همه آرامی یا می‌گیرد. می‌دانست درباره او حرف می‌زند. شیک‌پوشی‌اش هم در جذابیتش تأثیر مثبت نبود. محسن از ازدواج بدش نمی‌آمد، مخصوصاً که تب ازدواج بین رفقاییش گرم شده بود. حالا دیگر کمتر به آن دختر مهندسی شیعی فکر می‌کرد (تصویری از تأثیرگذاری جنسیتی شهید که در نوع خودش اگر نگوئیم بدعتی در الگوسازی از شخصیت شهادت، دست‌کم ملودرامی سینمایی و کلیشه‌ای عامه‌پسند و دارای بن‌مایه رمانتیک است که مثل این تصویر بارها و بارها در کتاب

نشان داده است. این دعا را به جز خدا غرور هم شنید که ساعت‌ها همانجا منتظر محسن نشسته بود. فهمید سماع مکیده بود. بخار شد و پرید. (جان‌بخشی به مفاهیم انتزاعی برای مثبت نشان دادن شهید وزوایی با تکیه بر فانتزی‌های ذهنی نویسنده) تصویرهای جنسیتی و غیر آیینی از شهید با بن‌مایه‌های رمانتیک در متن بارها تکرار شده است. خود محسن احساس می‌کرد وقتی توی میهمانی‌ها از جلوی جمع دختران فامیل رد می‌شود، پشت سرش همه‌همه آرامی یا می‌گیرد. می‌دانست درباره او حرف می‌زند. شیک‌پوشی‌اش هم در جذابیتش تأثیر مثبت نبود. محسن از ازدواج بدش نمی‌آمد، مخصوصاً که تب ازدواج بین رفقاییش گرم شده بود. حالا دیگر کمتر به آن دختر مهندسی شیعی فکر می‌کرد (تصویری از تأثیرگذاری جنسیتی شهید که در نوع خودش اگر نگوئیم بدعتی در الگوسازی از شخصیت شهادت، دست‌کم ملودرامی سینمایی و کلیشه‌ای عامه‌پسند و دارای بن‌مایه رمانتیک است که مثل این تصویر بارها و بارها در کتاب

نشان داده است. این دعا را به جز خدا غرور هم شنید که ساعت‌ها همانجا منتظر محسن نشسته بود. فهمید سماع مکیده بود. بخار شد و پرید. (جان‌بخشی به مفاهیم انتزاعی برای مثبت نشان دادن شهید وزوایی با تکیه بر فانتزی‌های ذهنی نویسنده) تصویرهای جنسیتی و غیر آیینی از شهید با بن‌مایه‌های رمانتیک در متن بارها تکرار شده است. خود محسن احساس می‌کرد وقتی توی میهمانی‌ها از جلوی جمع دختران فامیل رد می‌شود، پشت سرش همه‌همه آرامی یا می‌